

فراسوی نفت: از ذهنیت سازی در جامعه آمریکا تا نبرد در مرزهای نوین فناوری

علی حسین ترابی ، کارشناس ارشد مطالعات آمریکای شمالی

halcyon۳۷۱۴@gmail.com

در جهان پیچیده بشری فرورفتن و کاویدن ابعاد گوناگون و ریشه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... پدیده‌ها می‌تواند به فهم و تحلیل بهتر کمک نماید. تحلیل ریشه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نفت و گاز شیل ایالات متحده می‌تواند نقطه جالب کاریست این نوع تحلیل باشد. با نگاهی گذرا بر تاریخچه امنیت در ایالات متحده، ترس گسترده و تلاش برای فرار از باتلاق وابستگی انرژی قابل مشاهده است. بنگستون در یک تحلیل معنادار درباره امنیت انرژی در آمریکا چنین نوشت: استقلال انرژی برای ایالات متحده یک حقیقت از گذشته و یک چشم انداز آینده است.^۱

کابوس ناامنی در انرژی همانند شمشیر داموکلسی بر سر بازیگران سیاسی ایالات متحده بوده است و این فشار در این بستر که تمدن مدرن انسانی و جوامع معاصر به نفت گره خورده اند، قابل درک است. آنتونی گیدنز، جامعه شناس نامدار انگلیسی، در یکی از مقاله‌هایش می‌نویسد: "تمدن صنعتی مدرن به شدت وابسته به نفت و گاز شده است... بیش از نود و پنج درصد از کالاهای موجود در مغازه‌ها دارای یک یا چند قطعه‌ی ساخته شده از نفت است."^۲

بحران نفتی دهه هفتاد میلادی پرده از شکنندگی امنیت نفتی ایالات متحده برداشت، بنابر آمارهای سالیانه سازمان آژانس اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) منحنی واردات نفت آن کشور از منابع خارجی حکایت از آن دارد که اوج وابستگی در سال ۲۰۰۵ میلادی بوده است، در این سال شصت و پنج درصد نفت مصرفی آن کشور وارداتی بوده است. میزان واردات نفت این کشور از منابع خارجی در سال ۲۰۱۴ به بیست و هفت درصد و در سال گذشته میلادی به بیست و چهار درصد کاهش یافت.^۳ این جستار بر سر آن است تا ریشه‌های این کاهش واردات و بالارفتن امنیت در بخش انرژی را درزمینه‌ها و علت‌های فرهنگی از یک سو و کوشیدن در سرحداث فناوری از یک سوی دیگر را بررسی کند.

ریشه‌های فرهنگی علل کاهش واردات در اسناد بالادستی مانند گزارشات سالیانه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، مقالات منتشر شده در اندیشکده‌ها و روزنامه‌ها قابل پیگیری است. در کنار این اسناد کارهای برخی از کارشناسان سیاسی و روزنامه‌نگاران نیز در راستای نظریه پردازی، آماده نمودن ذهنیت‌ها و انگیزه بخشی به کوشیدن برای امنیت و استقلال انرژی بالاتر قابل مطالعه و بررسی است.

به عنوان نمونه توماس فریدمن، کارشناس سیاسی و ستون‌نویس مشهور نیویورک تایمز، با فرمول بندی نمودن رفتار دولت‌های نفتی در هنگام قیمت‌های بالای نفت و آن‌چه که او "قانون نخست سیاست‌های نفتی"^۴ نام می‌نهد، توضیح می‌دهد که در هنگام بهای بالای نفت، اعتماد به نفس دولت‌های نفتی در به چالش کشاندن روابط بین دولت‌ها و چانه‌زنی در سیاست بین‌المللی افزایش یافته است. فریدمن در نوشته‌هایش زیرکانه یک فضای هراسناک از تاخت و تاز دولت‌های نفتی در صورت تسلط بر بازار نفت و عرصه سیاست بین‌الملل را به تصویب می‌کشد که بی‌درنگ در ذهن خواننده نگرانی و انگیزه کوشیدن برای برون‌رفت از وابستگی در بخش انرژی را می‌پروراند. بطور کلی مفروضه نوشته‌های فریدمن آن است که چالش‌های بازار نفت منجر به دردسرهایی برای جهان صنعتی، بویژه ایالات متحده خواهد بود. چنین به نظر می‌رسد که حس عدم اطمینان و دلهره‌های اجتماعی امنیت انرژی در ایالات متحده به عنوان یک انگیزه برای کوشیدن در راستای بهبود بخشیدن به امنیت انرژی عمل کرده است.

بعد دیگر در افزایش امنیت انرژی کوشیدن و سرمایه‌گذاری ایالات متحده در سرحدات فناوری‌های نوین و استقرار فناوری فرکینگ و بیرون کشیدن نفت و گاز از ژرفاهای زمین است. پس از استقرار این فناوری میزان تولید نفت و گاز در آمریکا روزانه نزدیک به پنج میلیون بشکه نفت افزایش یافته است. امروزه صنعت این کشور یک چرخش اساسی به سوی گازسوز شدن داشته است. اکنون ایالات متحده یک مزیت نسبی در بهای گاز نسبت به اروپا، چین و ژاپن دارد.

نکته اصلی آن است که نگرش‌ها و دیدگاه‌های حاکم در یک جامعه می‌تواند انگیزه‌ای برای فرونشاندن چالش‌ها و برآمدن با آن‌ها باشد. در سنجش با سده پیشین، امروزه در سایه انقلاب نفت و گاز شیل، ایالات متحده در سطح بالاتری از امنیت قرار گرفته است. ترکیب حس نااطمینانی در انرژی و کاربست فناوری‌های نوین یک لحظه و نقطه عطف اساسی در ایالات متحده بوده است. نوسانات نفتی پاشنه نفتی

کشورهای عضو اوپک شده است ولی چون بازار نفت بازاری جهانی است در صورت آشوب در بازار نفت، آمریکا نیز تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

در ذهنیت ایالات متحده، امنیت واقعی انرژی در واردات و تجارت با مناطق با ثبات و از سویی دیگر در امنیت بخشی به دیگر وارد کنندگان نفت است. ایده آل آمریکایی امنیت انرژی در کاربست پروژه پیش گامی شیل گاز جهانی (GSGI) باز نمود یافته است که در سال ۲۰۱۰ و توسط دپارتمان دولتی طرح شده است. از خلال این پروژه ایالات متحده این فرصت را خواهد داشت تا فناوری فرکینگ را در جهان بگستراند، چرا که این امر منجر به بالا رفتن امنیت جهانی انرژی خواهد شد. در قالب این پروژه آن کشور همکاری‌هایی در بخش انرژی با چین، هند، لهستان، اوکراین، اردن و دیگر کشورها دارد.

چنین به نظر می رسد که فناوری‌های شکست هیدرولیکی و درلینگ چاه‌های افقی (مجموعاً فرکینگ) به عنوان روش تولید نفت و گاز توانسته در بخش انرژی مورد پذیرش و اقبال قرار گیرد و هم اکنون یک ابزار برای ایالات متحده در سیاست بین المللی تبدیل شده است، در نتیجه تنها گزینه باقی مانده برای دیگر تولیدکنندگان نفت به کار بستن سیاست های نوین در عرصه ی انرژی است، سیاست هایی برای عصر نوین؛ عصر انقلاب نفت و گاز شیل.

Sources:

۱) Bengston, R (۲۰۱۰). American Energy Independence,

<http://www.americanenergyindependence.com/aei-intro.pdf>.

۲) Giddens, A. (۲۰۰۸). Politics of Climate Change, [http://www.policy-](http://www.policy-network.net/uploadedFiles/Publications/Publications/The%20politics%20of%20climate%20change,%20Anthony%20Giddens.pdf)

[network.net/uploadedFiles/Publications/Publications/The politics of climate change, Anthony Giddens.pdf](http://www.policy-network.net/uploadedFiles/Publications/Publications/The politics of climate change, Anthony Giddens.pdf)

۳) EIA. (۲۰۱۵, ۷ ۲۴), How much petroleum does the United States import and from where? Retrieved from how much petroleum does the United States import and from where? : www.eia.gov

ε) Thomas Freidman (2009). The First Law of Petro politics

<http://foreignpolicy.com/2009/10/16/the-first-law-of-petropolitics/>